بازداشت دزد سحرخیز در پاتوق خلافکاران

مردی که با دستبرد شبانه به خانه همسایه‌شان سرقت کرده بود در پاتوق خلافکاران بازداشت شد.

به گزارش جوان، سرهنگ کارآگاه علی کنجوریان، رئیس پایگاه ششم پلیس آگاهی پایتخت توضیح داد: ساعت ۴ بامداد اول تیرماه بود که زن میانسالی با مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ تماس گرفت و گزارش یک سرقت را اعلام کرد. لحظاتی بعد تیمی از مأموران کلانتری ۱۵۹ بی‌سیم در محل حادثه که خانه‌ای در خیابان ۱۷شهریور بود، حاضر شدند. زن میانسال گفت: لحظاتی قبل من در طبقه اول خانه‌مان خواب بودم. پدر، مادر و خواهرم هم در طبقه همکف خواب بودند که ناگهان متوجه حضور مردی ناشناس در خانه شدم. وقتی دقت کردم، دیدم که آن مرد دزد است و در حال جست‌وجو در کیف من است. در حالی که به شدت ترسیده بودم از جایم برخاستم که مرد سارق من را تهدید به مرگ کرد و خواست که گردنبند، دستبند و گوشواره‌هایم را به او بدهم که از ترس جانم همه را به او دادم. لحظاتی بعد آن مرد با سرقت طلاهایم که ۳۰میلیون قیمت داشت از خانه فرار کرد و من پلیس را با خبر کردم.

بعد از مطرح شدن شکایت و پرونده به دستور قاضی برای بررسی تخصصی به پایگاه‌ششم پلیس آگاهی تهران فرستاده شد. مأموران پلیس در جریان تحقیق بیشتر از شاکی موفق شدند متهم را که یکی از همسایه‌های شاکی بود شناسایی کنند. تحقیقات نشان داد که متهم از مدت‌ها قبل به مصرف مواد مخدر اعتیاد دارد و به خانه‌ای که پاتوق خلافکاران است رفت و آمد دارد. بعد از به دست آمدن این اطلاعات بود که چند روز قبل مأموران پلیس موفق شدند مرد سارق را در پاتوق افراد خلافکار بازداشت کنند. متهم که نعیم نام داشت وقتی در این باره مورد تحقیق قرار گرفت به سرقت از خانه شاکی اعتراف کرد. او گفت: از مدت‌ها قبل به مصرف مواد اعتیاد پیدا کردم و برای تأمین هزینه مواد به پول نیاز داشتم. از آنجا که بیکار بودم تصمیم گرفتم به خانه همسایه‌مان دستبرد بزنم و پول مواد را تأمین کنم برای همین سحرگاه وارد خانه آنها شده و در حال جست‌وجوی پول و طلا بودم که زن صاحبخانه بیدار شد با این حال موفق به سرقت شدم و فرار کردم تا اینکه بازداشت شدم.

سرهنگ کارآگاه علی کنجوریان، رئیس پایگاه‌ششم پلیس آگاهی پایتخت گفت: تحقیقات برای کشف جرائم بیشتر متهم در پایگاه ششم پلیس آگاهی تهران همچنان در جریان است.

رها کردن نوزاد مقابل بهزیستی تبریز

نوزادی که مقابل سازمان بهزیستی شهرستان تبریز رها شده بود به شیرخوارگاه تحویل داده شد.

فرگل صحاف، مدیرکل بهزیستی آذربایجان شرقی گفت: ساعت ۱۵:۳۰ روز پنج‌شنبه خبر رسید که نوزاد پسر پنج روزه‌ای مقابل سازمان بهزیستی رها شده‌است که این نوزاد در اختیار شیرخوارگاه احسان قرار گرفت.

براساس این گزارش پیش از کشف نوزاد تصاویر رها شدن این طفل در خیابان منظریه تبریز در فضای مجازی دست به دست می‌شد. براساس تصاویر منتشر شده مادر نوزاد در نامه‌ای از عدم توانایی مالی لازم برای بزرگ کردن این نوزاد خبر داده و درخواست کرده بود به یک خانواده خوب تحویل داده شود.

۴کشته در تصادف ۲پژو

تصادف دو خودروی سواری پژو در محور زابل به زاهدان چهار کشته برجای گذاشت.

عصر روز پنج‌شنبه مأموران پلیس راه از حادثه رانندگی در محور زابل به زاهدان با خبر شده و در محل حاضر شدند. بررسی‌های اولیه نشان داد در جریان تصادف دو خودروی پژو۴۰۵ و پژو پارس چهار سرنشین سواری پژو پارس به علت شدت جراحت جان باخته‌اند و پنج سرنشین سواری پژو ۴۰۵ مجروح شده‌اند که به بیمارستان منتقل شدند. علت حادثه در دست بررسی است.

کشف نیم‌تن مواد افیونی در هرمزگان

فرمانده انتظامی استان هرمزگان از کشف بیش از ۵۵۰کیلوگرم تریاک و دستگیری پنج‌سوداگر مرگ خبر داد.

به گزارش جوان، سردار غلامرضا جعفری گفت: مأموران پلیس مبارزه با موادمخدر این استان با همکاری مأموران انتظامی لنگه، میناب، رودان و حاجی‌آباد کاروان حمل موادمخدر را متوقف و همزمان با توقیف چهاردستگاه خودروی سبک و سنگین ۵۵۰کیلو و ۸۰۰گرم تریاک کشف و پنج سوداگر مرگ را هم بازداشت کردند.

آزادی اعدامی فراری پس از رضایت شاکی

مردی که ۱۹سال قبل به اتهام آزار و اذیت پسر خردسالی غیابی به اعدام در ملأعام محکوم شده بود پس از بازداشت با انکار جرمش و رضایت شاکی از طناب دار نجات یافت.

به گزارش جوان، اوایل سال ۱۳۸۰ بود که مردی در تهران به اداره پلیس رفت و از پسر جوانی به اتهام آزار و اذیت پسر خردسالش شکایت کرد.

شاکی در توضیح ماجرا گفت: همراه همسرم و پسر پنج‌ساله‌ام در خانه‌ای در غرب تهران زندگی می‌کنیم. ساعتی قبل پسرم برای بازی به کوچه رفت و دقایقی پیش در حالی که گریه می‌کرد وارد خانه شد. هر چقدر از او سؤال کردم که چرا گریه می‌کنی جوابی نداد و من هم فکر کردم با بچه‌های همسایه دعوا کرده است، اما بعد به مادرش گفت که پسر جوانی او را فریب داده و داخل پارکی مورد آزار و اذیت قرار داده‌است. به همین خاطر تصمیم گرفتم از پسر شیطان صفت شکایت کنم که به سزای اعمالش برسد.

پسر خردسال هم به مأموران گفت: داخل کوچه تنهایی بازی می‌کردم که پسر جوانی به من نزدیک شد. او موهایش را از ته زده بود و لباس سربازی به تن داشت که به من گفت داخل پارک نزدیکی خانه‌مان تعدادی خرگوش هستند و از من خواست که همراهش به پارک بروم و خرگوش‌ها را به من نشان دهد. من حرف‌هایش را باور کردم و همراه او به پارک رفتم که آنجا پشت درخت‌ها مرا کتک زد و بعد هم مرا آزار و اذیت کرد. با طرح این شکایت پرونده به دستور بازپرس وقت دادسرای جنایی برای شناسایی متهم در اختیار تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت. در حالی که متهم هیچ سرنخی از خود به جای نگذشته‌بود، مأموران پلیس متهم ۱۹ساله را به نام سیروس که اهل یکی از شهرستان‌های اطراف تهران بود شناسایی و دستگیر کردند. سیروس بعد از دستگیری ابتدا منکر جرم خود شد، اما در بازجویی‌های فنی به آزار و اذیت پسر خردسال اعتراف کرد و مدعی شد که شیطان او را فریب داده‌است. متهم پس از تحقیقات تکمیلی و صدور کیفرخواست در دادگاه کیفری استان تهران محاکمه شد اما در جلسه دادگاه جرم خود را انکار کرد. بنابراین برای ادامه تحقیقات روانه زندان شد تا اینکه مدتی بعد با گذاشتن وثیقه از زندان به مرخصی رفت و از آن روز به بعد فراری شد.

حکم اعدام در ملأعام

در حالی که سیروس فراری بود پرونده وی در یکی از شعبه‌های دادگاه کیفری بررسی شد و هیئت قضایی هم وی را مجرم شناخت و به صورت غیابی به اعدام در ملأعام محکوم کردند. حکم اعدام متهم پس از تأیید در یکی از شعبه‌های دیوان عالی کشور برای سیر مراحل اجرای حکم به دادسرای امور جنایی تهران فرستاده شد.

بدین ترتیب متهم تحت تعقیب مأموران پلیس قرار داشت، اما مأموران پلیس هیچ ردی از او پیدا نمی‌کردند که مشخص بود، وی هر چند وقت یکبار محل زندگی‌اش را تغییر می‌دهد. در نهایت مأموران پلیس یک‌سال قبل متهم را در یکی از شهرهای اطراف تهران در حالی که با خودروی نیسانی در حال رانندگی بود شناسایی و دستگیر کردند. متهم پس از انتقال به اداره پلیس دوباره جرم خود را انکار کرد. وی گفت: من آن سال پسر خردسال را آزار ندادم، اما مأموران پلیس حرف‌های مرا باور نمی‌کردند تا اینکه پرونده‌ام به دادگاه رفت. وقتی از زندان مرخصی گرفتم، از ترس فرار کردم دیگر به زندان نرفتم تا اینکه فهمیدم به اعدام محکوم شده‌ام و بعد از آن سعی کردم شناسایی نشوم. پس از این تصمیم گرفتم ازدواج کنم و الان هم متأهل هستم و یک فرزند دارم و از آنجایی که من بیگناه بودم موضوع پرونده‌ام را به همسرم نگفته بودم. در این مدت کار می‌کردم تا اینکه خودروی نیسانی خریدم و با آن شروع به کار کردم که شناسایی و دستگیر شدم.

نجات مرد اعدامی

سپس متهم در یکی از شعبه‌های هم عرض دوباره محاکمه شد و دوباره جرم خود را مقابل هیئت قضایی انکار کرد. در حالی که تحقیقات درباره پرونده سیروس ادامه داشت، شاکی به دادگاه رفت و اعلام کرد: فکر می‌کنم مردی که ۱۹سال قبل مرا آزار داد، این مرد نباشد و در هر صورت من او را می‌بخشم. با اعلام گذشت شاکی و انکار جرم از سوی متهم قضات دادگاه حکم بربی گناهی مرد اعدامی دادند و وی را از اعدام تبرئه کردند. بدین ترتیب متهم چند روز پیش از زندان آزاد شد و پرونده وی برای همیشه بسته شد.

موتورسیکلت سارقان در محل سرقت جا ماند

جاماندن موتورسیکلت سارقان در محل سرقت سبب شد تا مأموران پلیس تهران اعضای یک شبکه دزدی منازل را بازداشت کنند.

به گزارش جوان سرهنگ کارآگاه مسعود برجی، رئیس پایگاه‌چهارم پلیس آگاهی تهران توضیح داد: ساعت ۲۳:۱۵ شامگاه پنجم اردیبهشت‌ماه مردی با مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ تهران تماس گرفت و به مأموران خبر داد که چند سارق در خانه‌اش مشغول سرقت هستند. لحظاتی بعد که مأموران کلانتری ۱۴۷ گلبرگ در محل حاضر شدند سارقان موفق شده بودند با جا گذاشتن موتورسیکلت‌شان فرار کنند. با این حال مرد صاحبخانه از سارقان شکایت کرد و پرونده برای بازداشت متهمان به پلیس آگاهی فرستاده شد.

بعد از آن بود که شاکی مورد تحقیق بیشتر قرار گرفت و جزئیات بیشتری از ماجرای سرقت را برای پلیس شرح داد.

او گفت: من و خانواده‌ام صبح روز چهارم اردیبهشت‌ماه از منزل خارج شدیم و ساعت ۲۳:۱۵ که به خانه برگشتیم متوجه شدیم که سه مرد جوان داخل خانه‌مان هستند. آنها با دیدن ما خواستند با موتورسیکلت آپاچی که داشتند فرار کنند که من با آنها درگیر شدم با این حال سارقان موتورشان را در محل جا گذاشته و فرار کردند.

با اطلاعاتی که شاکی در اختیار پلیس گذاشت مأموران با بررسی شماره پلاک موتورسیکلت موفق شدند، مالک آن را که مردی به نام رشید بود شناسایی کنند. تحقیقات نشان داد که رشید از مجرمان سابقه‌دار منازل است که بارها به اتهام سرقت بازداشت شده و به زندان افتاده بود. بعد از به دست آمدن این سرنخ بود که مخفیگاه رشید در سه راه افسریه شناسایی شده و مأموران پنجم شهریور او را دستگیر کرده و در بازرسی از مخفیگاهش مقدار زیادی لوازم سرقت شده کشف کردند. رشید وقتی در این باره مورد تحقیق قرار گرفت به سرقت سریالی از منازل مردم با همدستی دو نفر اعتراف کرد. او گفت: مدتی قبل بود که در قهوه‌خانه با مردی به نام ابراهیم آشنا شدم. مدتی که از دوستی من و ابراهیم گذشت او پیشنهاد سرقت را مطرح کرد و بعد یکی از دوستانش که اسمش را نمی‌دانم وارد باند سرقت کرد. پس از آن بود که ما شبانه خانه‌های خالی را جستجو کرده و مرتکب سرقت می‌شدیم.

مأموران پلیس با بررسی لوازم سرقت شده موفق شدند چند نفر از شاکیان را شناسایی کنند. آنها وقتی در این باره تحقیق شدند، گفتند که به مدت چند ساعت خانه‌شان را ترک کرده بودند و بعد از بازگشت متوجه سرقت لوازم شده بودند.

در شاخه دیگری از تحقیقات بود که به مأموران پلیس خبر رسید همدستان رشید در جریان یکی از ایستگاه‌های ایست و بازرسی بازداشت شده و در بازرسی از آنها مقداری طلا و لوازم سرقتی کشف شده‌است. متهمان بازداشت شده در بازجویی‌ها به سرقت اعتراف کردند. یکی از آنها گفت شب حادثه برای سرقت راهی محل حکیمیه شدیم. مطابق معمول بعد از شناسایی خانه‌های طبقه اول که کسی داخل آن نبود از راه بالکن وارد شده و پول و طلا سرقت کردیم و در راه بازگشت به خانه بودیم که در ایست و بازرسی گرفتار شدیم.

سرهنگ کارآگاه مسعود برجی، رئیس پایگاه‌چهارم پلیس آگاهی تهران گفت: اعضای باند با کامل شدن تحقیقات به دستور قاضی روانه زندان شدند.

نجات از مجازات قصاص با پرداخت دیه

مرد محکوم به مرگ که ۱۰ سال قبل به اتهام قتل دستگیر شده بود، توانست با پرداخت دیه رضایت اولیای دم را جلب کند.

به گزارش جوان، تابستان سال ۸۹ مأموران پلیس ورامین از قتل مرد جوانی در یکی از خیابان‌های پاکدشت باخبر و راهی محل شدند. جسد متعلق به فرامرز ۳۲ساله بود که بر اثر اصابت چاقو کشته شده بود.

با انتقال جسد به پزشکی قانونی، مأموران در تحقیقات میدانی از شاهدان حادثه دریافتند، عاملان قتل سه مرد جوان به نام‌های پرویز، نادر و اشکان هستند که در جریان درگیری با مقتول بعد از ارتکاب جرم از محل متواری شده‌اند.

به این ترتیب سه‌مرد جوان تحت تعقیب قرار گرفتند تا اینکه چند روز بعد از حادثه، یکی از آنها به نام اشکان شناسایی و بازداشت شد. او به جرمش با همدستی دوستانش اقرار کرد و مدعی شد مقتول مدتی قبل برای همسرش ایجاد مزاحمت کرده‌است. او در توضیح به مأموران گفت: «فرامرز از دوستانم بود و در یک محل زندگی می‌کردیم. چند ماه قبل متوجه ارسال پیامک‌های مشکوک به همسرم شدم، وقتی در این مورد با او صحبت کردم، همسرم گفت آن مرد ناشناس فرامرز است و مدتی است برای او ایجاد مزاحمت می‌کند. با شنیدن این حرف شوکه شدم.» متهم ادامه داد: «پرویز هم از دوستان صمیمی‌ام بود، به همین خاطر در این مورد با او صحبت کردم و قرار شد او هم با فرامرز صحبت کند. مدتی گذشت اما متوجه شدم مقتول از مزاحمت برای همسرم دست بردار نیست به همین خاطر روز حادثه همراه پرویز و یکی دیگر از دوستانم به نام نادر سراغ مقتول رفتیم. او در خیابان ایستاده بود، اما وقتی حرف مزاحمت‌هایش شد، او عصبانی شد و با چاقو حمله کرد. در آن درگیری ما هم برای دفاع از خودمان با چاقو به او حمله کردیم اما ضربه کشنده را پرویز به او زد.» با ثبت این توضیحات، دو متهم دیگر نیز بازداشت شدند و تحت بازجویی قرار گرفتند تا اینکه با تأیید این توضیحات پرویز با قبول جرمش گفت: «قصد داشتم از ناموس دوستم دفاع کنم، اما مقتول حمله کرد. چاره‌ای جز دفاع نبود به همین خاطر ناخواسته مرتکب قتل شدم.»

با اقرار متهمان، پرویز به اتهام مباشرت در قتل و اشکان و نادر نیز به اتهام معاونت در قتل روانه زندان شدند و پرونده به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. متهمان در اولین جلسه محاکمه مقابل هیئت قضایی شعبه دوم قرار گرفتند. در آن جلسه پرویز با درخواست اولیای‌دم به قصاص و دو متهم دیگر نیز به حبس محکوم شدند. با تأیید این حکم متهم در آستانه مرگ قرار داشت تا اینکه با پرداخت دیه توانست رضایت اولیای‌دم را جلب کند. به این ترتیب با گذشت ۱۰سال از حادثه پرونده این بار از جنبه عمومی جرم به همان شعبه فرستاده‌شد و بعد از تعیین وقت روی میز هیئت قضایی شعبه‌دوم به ریاست قاضی زالی قرار گرفت.

بعد از اعلام رسمیت جلسه، متهم در آخرین دفاعش گفت: «به خاطر ناموس رفیقم مرتکب قتل شدم، اما توانستم با پرداخت ۷۵میلیون تومان رضایت اولیای‌دم را جلب کنم. در این مدت که زندان بودم معرق کاری و بافندگی را آموزش دیدم تا این سال‌ها را بی‌هدف تمام نکنم. حالا از دادگاه تقاضا دارم در مجازاتم تخفیف قائل شوند تا هرچه زودتر به پیش مادرم در شهرستان برگردم و این روزها را برایش جبران کنم.» در پایان جلسه هیئت قضایی وارد شور شد تا دستور آزادی متهم را با احتساب روزهای بازداشت صادر کند.

علت سقوط هواپیمای آموزشی، اشتباه محاسباتی بود

علت سقوط هواپیمای آموزشی در کرج که به مصدومیت دو سرنشین آن منجر شد اشتباه محاسباتی اعلام شد.

محمد رضا فلاح‌نژاد دبیر ستاد پیشگیری بحران البرز به ایرنا گفت: هواپیمای آموزشی لحظاتی بعد از برخاستن از فرودگاه آزادی نظرآباد به تپه برخورد کرد و سقوط کرد و خلبان و کارآموز آن دچار جراحت شدند. وی ادامه داد: خلبان این هواپیمای آموزشی تک موتوربه دلیل اشتباه محاسباتی به تپه مجاور فرودگاه آزادی نظرآباد برخورد کرد. وی افزود: فعالیت فرودگاه آزادی نظرآباد در زمینه اجاره هواپیماهای تفریحی است که محدوده پرواز هواپیماهای این فرودگاه استان البرز بوده که در برخی از موارد به سمت استان گیلان و سایر استان‌ها نیز می‌روند.

م/ الف:۱۵۰۸۵

آگهی رای هیات قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر آراء صادره هیات تعیین تکلیف مستقر در ثبت اسناد و املاک شهرستان سنندج. تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضیان ذیل تایید گردیده لذا بدین وسیله مشخصات املاک در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز جهت اطلاع عموم آگهی میگردد. در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم نمایند و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضائی تقدیم نموده و گواهی اخذ و تحویل اداره ثبت نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول گواهی اخذ تحویل اداره ثبت نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض سند مالکیت طبق مقررات صادر خواهد شد. صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نیست.

۱ – ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی بنام آقای محمود قادری کره سی فرزند عبدالقادر تحت پلاک ۳۰۸ فرعی از ۳۹ اصلی بخش ده به مساحت ۸۰۱۳/۵۰ مترمربع جزء نسق زارعانه شماره ۲۳۹۸۲ مورخه ۵۲/۱۱/۱۵ بنام عبدالقادر قادری کره سی به ادرس سنندج روستای کره سی

۲ – ششدانگ یک قطعه باغ بنام آقای محمود قادری کره سی فرزند عبدالقادر تحت پلاک ۳۰۹ فرعی از ۳۹ اصلی بخش ده به مساحت ۲۳۵۰/۱۰ مترمربع جزء نسق زارعانه شماره ۳۷۶۰ مورخه ۴۲/۱/۱۵ بنام عبدالقادر قادری کره سی به ادرس سنندج روستای کره سی

رئیس اداره ثبت منطقه ۲ سنندج -هیوا احمدیان

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۲۰/۷/۹۹ تاریخ انتشار نوبت اول: ۵/۷/۹۹

حصر وراثت ۲۸۱م/الف

آقای یدالله نظافت فرزند ابراهیم دارای شماره شناسنامه ۶ به شرح دادخواست به کلاسه ۱۲۴- ۹۹ش ۲ از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان خانم خدیجه درخواه به شناسنامه ۲۷۴۲ در تاریخ ۱۳۸۸/۴/۱ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه آن مرحوم منحصر است به ۱ آقای حبیب نظافت فرزند احمد به شماره ملی ۳۵۶۹۶۹۲۱۲۴-۲- آقای مهدی نظافت فرزند احمد به شماره ملی ۳۵۶۹۶۹۷۵۴۱-۳- آقای یدالله نظافت فرزند احمد به شماره ملی ۳۵۶۹۷۰۵۵۵۲-۴- آقای عبدالرسول نظافت فرزند احمد به شماره ملی ۳۵۶۹۷۱۶۲۰۱-۵- آقای محمد نظافت فرزند احمد به شماره ملی ۳۵۶۹۹۲۲۵۰۲- (پسران متوفی) ۶- خانم راضیه نظافت فرزند احمد به شماره ملی ۳۵۶۹۷۱۱۱۵۳-۷- آقای احمد نظافت فرزند عباس به شماره ملی ۳۵۶۹۶۶۶۴۰۹ (همسر متوفی) ۸- مرضیه نظافت فرزند احمد شماره ملی ۳۵۶۹۷۴۶۹۰۹ (دختران متوفی) ۹- خانم بلقیس درخواه فرزند قاسم به شماره ملی ۳۵۶۹۴۰۴۸۲۱ (مادر متوفی) اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مذبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هرکس اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.

ظهیر محمدی
رئیس شعبه دوم شورای حل اختلاف شهرستان کنگان

برگ سبز خودرو سواری سایپا تیپ ۱۳۲ مدل ۱۳۹۰ رنگ سفید روغنی به شماره پلاک (ایران ۶۸_ ۲۱۴ ن ۶۸) به شماره موتور ۴۱۵۵۸۹۰ و شماره شاسی S۱۴۲۲۲۹۰۲۷۸۳۰۵ متعلق به خانم فرزانه رزاقی با کد ملی ۰۰۸۵۵۲۵۳۹۴ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.البرز

برگ سبز ، برگه کمپانی ، سند نقل و انتقالات و بنچاق خودرو سواری پژو تیپ ۲۰۶TU۳ مدل ۱۳۸۲ به رنگ نقره ای متالیک به شماره پلاک (ایران ۳۸ _ ۲۶۳ ب ۹۶) به شماره موتور ۱۰FSJ۵۴۴۲۰۶۰۴ و شماره شاسی ۸۲۶۱۹۰۳۲ متعلق به آقای سید جعفر درخواه با کد ملی ۱۵۵۲۹۱۱۳۷۳ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.البرز

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان بوشهر

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۹۹۶۰۳۲۴۰۰۹۰۰۱۰۱۹-۱۳۹۹/۵/۲۹ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی بوشهر تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای حسن آوریفرزند حسین به شماره شناسنامه ۲۸۴۹۱ صادره از بوشهر به شماره ملی ۳۵۰۰۲۸۵۰۵۵۸ در شش دانگ یک باب خانه به مساحت ۱۴۲/۵۰ متر مربع پلاک ۲۲ فرعی از ۳۳۹۱ اصلی مفروز ومجزی شده از پلاک اصلی واقع دربخش دو بوشهر خریداری از مالک رسمی گردیده است.

لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

مجید امیری
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان بوشهر

تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۹/۷/۵- تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۹/۷/۲۰

۳۶۲م.الف

مفقودی

برگ و سند کمپانی بزرگ پژو ۴۰۵ جی ال ایکس به رنگ نوک مدادی متالیک مدل ۱۳۷۹ به شماره پلاک ایران ۷۶-۸۲۱ج۲۲ به شماره موتور ۲۲۵۲۷۹۰۶۹۸۷ و شماره شاسی ۷۹۳۱۰۳۷۶ متعلق به آقای حسین احمد پور چور کوچانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد

برگ سبز خودرو سواری سمند تیپ LXXU۷ مدل ۱۳۹۳ به رنگ سفید روغنی به شماره پلاک (ایران ۲۴_ ۵۲۵ ج ۵۸) به شماره موتور ۱۲۴K۰۴۱۹۹۶۸ و شماره شاسی NAAC۹۱CC۸EF۶۶۸۰۷۶ متعلق به خانم سهیلا عسجری با کد ملی ۱۸۲۸۲۰۱۷۱۵ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.البرز